

## انجامه «شاهنامه» فلورانس

ظاهراً بحث درباره صحت و اصالت تاریخ قید شده در صفحه آخر شاهنامه فلورانس تمامی ندارد و معلوم نیست مبنای تردید در این زمینه بر چه اصل و دستاورد کارشناسانه‌ای استوار است. شاهنامه فلورانس - که نگارنده اصالت تاریخ آن را قطعی می‌داند - بر اساس کتاب آرایبی مرسوم و معمول اوایل قرن هفتم هجری صفحه آرایبی شده است و در قیاس با نمونه‌های معاصر خود، جای تردیدی باقی نمی‌گذارد. از این نمونه‌های هم عصر، می‌شود به نسخه‌ای بسیار نفیس از ذخیره خوارزمشاهی اشاره کرد که در تاریخی نزدیک به شاهنامه فلورانس - که تاریخ ششصد و چهارده هجری قمری را دارد - یعنی سال ششصد و پنچ، نوشته شده است و از حیث شیوه خطاطی، جدول‌های شجره‌فی و جمله پایانی، شباهت بسیاری به آن دارد. این نسخه ذخیره خوارزمشاهی - که چند سال پیش آن را کارشناسی و بررسی کردم - نیز، با جمله «تمام شد» به پایان می‌رسد: «تمام شد کتاب ذخیره خوارزمشاهی فی خمس و ستمانه» و از حیث صفحه آرایبی ورق آخر و ترتیب آخرین جملات، قرابت بسیار به شاهنامه مورد نظر دارد. اما نسخه شاهنامه فلورانس نسخه مجلل تری است و در بخش‌هایی از صفحات آن - به جای نگاره‌هایی که در دوره‌های بعدی در مستطیل‌هایی کمی پهن تر ظاهر می‌شوند - مستطیل‌هایی را قرار داده‌اند که تمامی زمینه‌شان با ورق طلا پوشانده شده و نوشته‌هایی را بر روی این زمینه، به خط کوفی تزین می‌کند و به رنگ قهوه‌ای، نقاشی کرده‌اند. این نوشته‌ها جملات تکرار شونده‌ای‌اند که بر حسب رسم زمانه بر روی اشیای مختلف - از سفال‌های لعاب دار تا ظرف‌های فلزی و شیشه‌ها و اشیای تزین - نقش می‌شد و عز و دوام و اقبال و سعادت و سلامت و بقا را برای صاحب آن آرزو می‌کرد؛ همچنان که در سه مستطیل صفحه آخر شاهنامه فلورانس هم همین مضمون آمده و تکرار شده است.

در اصالت دو مستطیل جانبی سه سطر پایانی ترقیمه شاهنامه جای تردیدی نیست، زیرا از هر حیث دنباله شیوه و شکل مستطیل‌های متعدد صفحات دیگر این کتاب است و جدول‌های نسبتاً ضخیم اطراف آن‌ها شباهت کاملی با جداول مستطیل‌ها - کتیبه‌های - دیگر کتاب دارد. نوشته فضای بین دو کتیبه نیز اصیل است و از حیث شیوه خطاطی و رنگ مرکب، هماهنگی کامل با متن کتاب دارد. در اینجا نیز - مانند ورق آخر ذخیره خوارزمشاهی - پس از جمله «تمام شد» و نگارش تاریخ اختتام کتابت، در مستطیل کوچک تری، در قیاس با دو سطر طولانی شاهنامه و یک سطر طولانی ذخیره خوارزمشاهی، دعای شکرگذاری و درود بر حضرت رسول و آل او آمده است:

در شاهنامه فلورانس، در دو سطر اول نوشته شده (تصویر ۱):

« تمام شد مجلد اول از شاهنامه پیروزی و خرمی

روز سه شنبه سیم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده

بحمدالله تعالی و حسن توفیق

و صلی الله علی خیر خلقه محمد

و آلّه الطاهرین الطیبین»

و در آخر نسخه ذخیره خوارزمشاهی آمده (تصویر ۲):

«تمام شد کتاب ذخیره خوارزمشاهی فی خمس و ستمانه

و الحمد لله رب العالمین

و الصلوة علی محمد و آلّه اجمعین الطیبین الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً»

در صفحه آرابی شاهنامه فلورانس، ستون‌ها (هر صفحه در چهار ستون) با جدول کشی شنجرفی مجزا شده‌اند، به استثنای دو ستون میانی باقی مانده در فضای زیر مستطیل بالایی، چرا که دو سطر تاریخ گذاری پایانی مانع ادامه یافتن این جدول بندی بوده است و به خاطر همان دو سطر، جدول کش، دو بیت میانی را نیز استثنا کرده است و این خود دلیل و حجتی کافی است بر اصیل بودن و الحاقی نبودن آن دو سطر، و مؤخره «بحمدالله تعالی و حسن توفیقه ...» نیز، که بین دو مستطیل قرار گرفته است، احتیاج به مقدمه‌ای دارد که همان دو سطر «تمام شد مجلد اول ...» است و بدون آن، جمله بعدی معنای کاملی نخواهد داشت. از سوی دیگر، در چهار بیت آخر زیر کتیبه بالا، در معاینه از نزدیک، دو ساییدگی افقی موازی دیده می‌شود، اما در دو سطری که تاریخ محرم سال ششصد و چهارده را دارد، هیچ گونه دست خوردگی و یا خراشی وجود ندارد و گمان می‌کنم، شاید به خاطر چاپ عکسی تاریک و نامطلوب صفحات شاهنامه فلورانس - و خراش‌های متعددی که در لیتوگرافی بر آن وارد شده - تردید در اصالت این دو سطر شکل گرفته است. در عکس دقیق و رنگینی که از ورق آخر شاهنامه فلورانس در اختیار دارم - و به ضمیمه این مقاله می‌فرستم - جای هیچ‌گونه خراش و یا خدشه و ساییدگی و دست خوردگی در متن تاریخچه آن دیده نمی‌شود و اثری که از کتیبه صفحه پشت بر روی همان قسمت منعکس شده، همچون متن رنگین اسناد و اوراق بهادار، امکان محو کردن جای خراشیدگی را به کلی از میان برده است.

جاعلان و مخدوش کنندگان و رقم گذاران پانصد سال پیش - و می‌دانیم که شاهنامه فلورانس صدها سال در خزانه کتابخانه و تحت عنوانی دیگر نگاهداری می‌شده - مطلقاً نه چنین مهارت و صف ناپذیری در کارشان داشته‌اند و نه چنان انگیزه و هدف مندی سودجویانه‌ای، و دست بردن در تاریخ چنین شاهنامه آسیب دیده‌ای، هیچ حاصل مشخص و چشم‌انداز بهره‌ورانه‌ای را به کسی وعده نمی‌داده است.

بدیهی است جاعلان و استادکاران چیره دست امروز، با استفاده از آخرین پیشرفت‌های فن آوری معاصر، می‌توانند تمامی ورق آخر شاهنامه فلورانس را جعل و بازسازی کنند؛ اینان استادکارانی‌اند که در ایران و شهرهای بزرگ اروپا و امریکا پراکنده‌اند و مرکز کارشان هم شهر لندن است و نمونه‌هایی از شاهکارهای اساتیدشان - نظیر قابوس نامه و رباعیات عمر خیام - را در پنجاه سال گذشته دیده‌ایم، اما دستاوردهای شگفت‌انگیز همین جاعلان نیز از چشم کارشناسان و متخصصان پنهان نمی‌ماند و قطعی است که اقدام به جعل چنین نمونه‌هایی در پانصد سال پیش بسیار نادر و نالازم بوده است، و این سخن به کنار، در ورق آخر شاهنامه فلورانس، کوچک‌ترین اثری از جعل یا خدشه، دیده و یافت نمی‌شود و این بنده، پس از سی و پنج سال کارشناسی و مرمت نسخه‌های گوناگون، به یقین می‌توانم ادعا کنم که هر گونه تشکیکی در این باب، به جهت عدم اشراف و توجه به نکاتی است که در بالا معروض افتاد.

در انتها، یک بار دیگر مستندات مورد نظر را فهرست وار می‌آورم تا زمینه اصلی بحث بیشتر مشخص شود:

۱. صفحه آخر شاهنامه فلورانس، از حیث خط و کاغذ و مرکب و یک پوسته و مشترک بودن آن با صفحه قبلی، اصیل است.
۲. هر سه کتیبه این صفحه کهنه و قدیمی است و ظن هیچ‌گونه بازسازی یا جعل در آنها نمی‌رود.
۳. دو سطر انتهای ابیات، در جای منظور شده برای آنها؛ نگاشته شده‌اند و دو ترنج قطره‌ای شکل کهنه، جاهای خالی مانده در سمت چپ و راست را پر کرده است.
۴. جدول‌های قرمز رنگ بین دو بیت میانی، به خاطر همین دو سطر تداوم نیافته‌اند و هیچ‌گونه امکانی جهت محو شدن و پاک‌شدگی قبلی در میان نیست.
۵. سه سطر آخر که در ادامه دو سطر تاریخ گذاری نوشته شده اصیل و کهنه است و ناگزیر در تداوم مطلب قبلی آمده است.

۶. دو کتیبه دو جانب این سه سطر، پس از نوشته شدن سطرها کار شده اند و بر حسب سنت کتاب آرایبی قدیم ایرانی، کار جدول کثی و نقاشی و تذهیب، پس از اتمام متن دست نوشته آغاز می شده است.
۷. هیچ گونه - تکرار می کنم، هیچ گونه - خدشه یا خراشی در دو سطر تاریخ گذاری دیده نمی شود و به خاطر رنگ قهوه ای نشت شده از سطور صفحه پشتی - که در طول قرن ها ایجاد شده - هر نوع دست خوردگی و یا خراشی در زیر آن آشکار و مشخص می شده است.
۸. صفحه انتهایی در اصل، درست در همین جایی که تمام شده بسته شده است و جدول کثی کهن، بدون هیچ انقطاعی، تا جایی که می بینیم ادامه پیدا کرده و به اتمام رسیده است. بنابراین، طول نوشته های صفحه آخر، دقیقاً همین مقدار بوده و امکان افزودن به آن و یا کاستن از آن وجود نداشته و یادداشت های قرون بعدی نیز به انتهای طبیعی آن علاوه شده است.
۹. ذره ای فضای نالازم مابین سطور پنجم گانه آخرین صفحه دیده نمی شود.
۱۰. نشت و پس دادگی مرکب سطور صفحه پشت و طلای کتیبه نقاشی شده بر آن، چونان مهر تأییدی بر اصالت این ورق است.
۱۱. رقم «ششصد و چهارده» کامل و بی خدشه است و امکان ندارد که حک شده و یا تغییر یافته «هفتصد» یا «هشتصد» باشد.
۱۲. شیوه کتاب آرایبی و اسلوب خطاطی این کتاب نیز، یقیناً به اوایل قرن هفتم هجری قمری تعلق دارد. با ادامه این بحث و اصرار در «حکایت همچنان باقی» بودن مسأله، تا جایی که به جای این که خود به فلورانس برویم و با مخارج بسیار کمتری کارشناسی مکررمان را انجام دهیم، کتابخانه فلورانس را مکلف کنیم که شاهنامه را برای تماشا و بررسی به تهران بفرستند - و از قصه آن مدعی که وقتی درخت به سویش نیامد، خود به سوی درخت رفت پند بگیریم و نیاموزیم - راهی به جایی باز نخواهد شد و ورق تازه ای بر این مبحث مهم علاوه نخواهیم کرد.

آیدین آغداشلو



تصویر ۲: انجامه نسخه «خیرة خوانزمشاهی»



تصویر ۱: انجامه نسخه «شاهنامه» فلورانس